



مجلس تر حیم
آقای نایب غلامحسین (نایب جلویی) روز
پیش بر حمت اردزی پیوست مجلسی ترجمه آلمروم
از صبح امروز هرگاه شمس ایشان واقع در خیابان
مولوی (اسماعیل بزاز) کوچه سوخت دان منقله
است شماره آن ۲۸۴۳
بازمانده آن در بر سوزا در معیت واره
تعلات دیده

ایران

■ صفحه ۱۶ ■ سال بیست و ششم ■ شماره ۷۳۹۵ ■ پنجشنبه ۲۶ تیر ۱۳۹۹ ■ ۲۴ ذی القعدة ۱۴۴۱ ■ ایران قرن بیست و هشت



بشارت

افتتاح اولین درمانگاه شبانه
آقای دکتر حشمت برای معاینه بیماران
درمانگاه ای در خیابان شاهپور جنب حمام
شاهزاده خاتم تأسیس نموده که برای درمان
بیماران تا پاسی از شب آماده است.
شماره آن ۲۱۷۵ - ۶ - ۵

پزشک احمدی و قتل فرخی یزدی

سر نهادن به پای آزادی

فرزانه قبادی/ بیست و پنجمین روز از پاییز ۱۳۱۸، شاعر آزادی روی تخت افتاده. یک پایش از تخت آویزان است. چشمان خالی اش به سقف اتاق حمام در زندان قصر دوخته شده، نفسی نیست. پزشک زندان می گوید دلیل مرگ ابتلا به مالاریاست، اما شواهد از رد پای پزشک احمدی، قاتل آن سال های زندان قصر خبر می دهند. کسی که قتل سردار اسعد و تیمور تاش را در کارنامه دارد، حالا نام فرخی را هم به لیست بلندبالای مقتولان خود اضافه کرده است. پیکر شاعر - شاید- به مسگر آباد برده می شود و در محلی نامعلوم به خاک سپرده می شود.

از روزی که توانست کلمات کنار هم ردیف شده روی کاغذ را بخواند، مهر شعر و شاعری نشست به جاننش. مشروطه خواهی که با این مهر همنشین شد شاعری با به عرصه گذاشت که تا آخرین روزهای عمر ذره ای از آزادی خواهی و وطن دوستی دور نشد. کلیدواژه شعرهایش آزادی بود، جاننش را هم برای آزادی و آزادی گنگی گذاشت. زبان تند و تیزش در شعر را وامدار هیچ جریانی نبود، گویی وجودش زبان سرخی بود که به هر

شد که لیش دوختند و شد «شاعر لب دوخته» هواداران و همفکرانش در یزد معترض شدند و از مجلس دادخواهی کردند. نمایندگان واکنش نشان دادند اما معاون وزیر موضوع را به کلی انکار کرد و تنبیه او را «چوب زدن» به دلیل مدح استبداد عنوان کرد. جایز آن روزها عنوان «لسان المله» را به فرخی دادند و تلاش آزادی خواهان در نهایت منجر به فرار او از زندان شد. روایت است که بعد از ضیغم الدوله، حکومت یزد به دست فخرالملک افتاد و او برای دلجویی از فرخی چند اشرفی در دهانش ریخت و گفت اگر ضیغم لبت را دوخت من دهانت را پر از اشرفی می کنم. نه اشرفی ریختن و نه دوختن لپهایش زبان تیزش را نرم و او را از مسیر مبارزه دور نکرد. به تهران آمد و مبارزاتش شکل جدی تری پیدا کرد. دیگر حاکمان و صاحبان قدرت از کلماتش می ترسیدند، مبارزه او با دشته شعر و غزل امنیت استبداد را به هم زده بود. سال ۱۳۰۰ بود که پا به عرصه مطبوعات گذاشت و امتیاز روزنامه «طوفان» را گرفت. در شماره نخست روزنامه که روز دوم شهریور همان سال منتشر شد، نوشت نام روزنامه را



گورستان جدید تهران

تیه و تنظیم: حسن مجیدی

در نظر است گورستان جدیدی بسا کلیه لوازم مربوط به آن با رعایت حفظ بهداشت همگانی ساخته شود. شهرداری تهران برای انجام این کار احتیاج به دو میلیون ریال اعتبار دارد که از بانک ملی ایران وام نموده و استهلاك آن از محل فروش زمین هایی که برای ساختمان مقبره های خصوصی واگذار می شود و کسر آن از درآمد شهرداری تهران پرداخت گردد. بنابراین ماده واحده زیر را پیشنهاد و درخواست تصویب آن را می نماید: ماده واحده- به وزارت کشور اجازه داده

می شود برای ساختمان گورستان جدید و سایر متعلقات آن در تهران دو میلیون ریال از بانک ملی ایران وام نموده در مدت ۴ سال اصلا و فرعا از محل فروش اراضی مستهلك نماید. روز یکشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۱۸ مجلس شورای ملی لایحه فوق را تصویب و بدین ترتیب از سوی شهرداری زمینی به مساحت ۳۰۰۰۰۰ متر مربع واقع در کنار جاده خراسان اطراف سید ملک خاتون خریداری و بنای گورستان جدید [مسگر آباد] آغاز شد. روزنامه اطلاعات- پنجشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۱۸

به کلر افتادن تلفن هلی عمومی

شهرداری تهران از چندی پیش برای رفع احتیاجات ساکنین پایتخت در صدد ساختن محل هایی برای تلفن عمومی برآمده و دو جایگاه در میدان سپه و میدان سعدی برای این کار ساخته شده است. اکنون چند روز است که با موافقت شرکت تلفن، دو دستگاه تلفن یکی



دواج تابلوهای تبلیغاتی الکتریکی

چون تابلوهای الکتریکی مخصوصاً تابلوهای که با چراغ های الوان آراسته شده باشد بهترین وسیله برای معرفی محل تجارتخانه ها و بنگاه ها می باشد و از طرفی بر زیبایی و قشنگی خیابان ها در شب نیز می افزاید در این چند روزه اغلب صاحبان مغازه ها مخصوصاً صاحبان رستوران ها در خیابان های فردوسی، لاله زار و سایر خیابان ها تابلوهای خود را به تابلوهای الوان الکتریکی تبدیل نموده اند. این تابلو که نوشته های آن نیز از چراغ الوان می باشد بوسیله لوله های شیشه ای که محتوی گاز نئون است روشن می شود. بدین ترتیب جریان برق وارد لوله شده آن را به طور زیبایی روشن می سازد. روزنامه کوشش- دوشنبه ۵ آذر ۱۳۱۸



شماره ۶۳۲۰ در میدان سپه و یکی شماره ۸۲۹۹ در میدان سعدی نصب و برای تسهیل مکالمات شروع به کار کرده است. در پای هر دستگاه یک نفر مأمور گماشته شده و هر کس در مقابل پرداخت سی دینار می تواند مکالمه نماید. روزنامه کوشش- پنجشنبه ۴ بهمن ۱۳۱۸



چراغ های راهنما ابتدا در میدان سپه (سه راه لاله زار) نصب و بقیه نیز بتدریج در سایر نقاط نصب می گردد. مجله شهرداری- آذر ۱۳۱۸

لیجلا بنلی جدید آرماسگاه باباطاهر

آرماسگاه باباطاهر عربیان را ارائه داد که مورد تصویب واقع شد. آرماسگاه مزبور وضع خوبی نداشت و برای ساختمان جدید آن اخیراً یک صد هزار ریال اعتبار تعیین و از طرف وزارت کشور مراتب ابلاغ و دستور اجرای آن واصل گردید. شهرداری همدان



شهرداری همدان ضمن کارهای ساختمانی نویناد، در موقع مسافرت، آقای وزیر کشور به این شهر پیشنهاد تجدید بنای ساختمان

